



در باره زندگی رفیق شهید

فاطمه حسن پوراصیل شیرجوپشت



چریک فدائی خلق رفیق فاطمه حسن پور زنی مبارز و آزاده از ساله‌های چریک‌های فدائی خلق بود که در سال ۱۳۳۰ در لاهیجان چشم به جهان گشود. رفیق فاطمه خیلی زود با مسائل سیاسی و افکار و اندیشه‌های مارکسیستی آشنا شد. دلیل این امر حضور برادر بزرگش رفیق غفور حسن پور، سازمانده اصلی گروه جنگل چریک‌های فدائی خلق بود که همچون آموزگاری صبور و پر کار با بحث‌ها و عملکردهای رفیقانه اش جو سیاسی خانواده را کاملا تحت تاثیر قرار داده و آنرا به سمت آرمانهای سوسیالیستی و ضدیت با سرمایه داری و رژیم سلطنت به مثابه حافظ نظم ظالمانه سرمایه داری و وابسته حاکم جهت داده بود. در چنین اوضاع و احوالی بود که رفیق فاطمه رشد کرد و دوران تحصیل دبیرستان خود را با موفقیت به پایان رساند. و در ادامه تحصیل توانست فوق دیپلم هنرستان آموزش و پرورش را هم کسب کند. در رابطه با فعالیت‌های سیاسی این دوره رفیق فاطمه، با توجه به این که پس از دستگیری رفقای گروه جزئی در سال ۱۳۴۶، رفیق غفور به ملاقات رفیق حسن ضیاء ظریفی در زندان رشت می رفت، در اسناد ساواک چنین قید شده که به دنبال ملاقات رفیق غفور با رفیق حسن ضیاء ظریفی در زندان رشت قرار بر این می شود که این ارتباط از طریق رفیق فاطمه پیگیری شود. بر این اساس می توان گفت که در یک دوره رفیق فاطمه به عنوان یک رابط، اخبار زندان را در اختیار برادر انقلابی خود رفیق غفور و از آن طریق در اختیار رفقای دیگر قرار می داده است. در آذر ماه سال ۴۹ به دنبال یورش ساواک به گروه جنگل، رفیق غفور دستگیر و زیر



خودکشی یک کارگر مجتمع هفت تپه در

پی عدم پرداخت حقوق از سوی کارفرما!

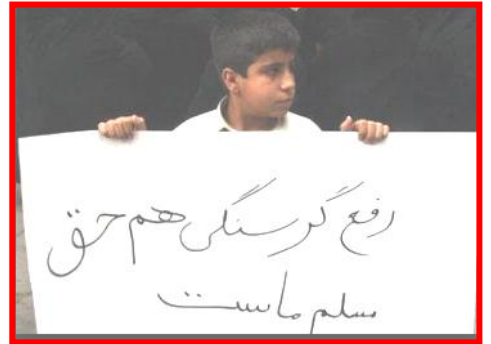
صبح روز سه شنبه ۸ اسفند ماه، علی نقدی کارگر ۴۵ ساله فصلی مجتمع کشت و صنعت هفت تپه با ۲۷ سال سابقه کار، برای پیگیری مطالبات مزدی و بیمه‌ای خود به بخش اداری مجتمع مراجعه می کند. اما با بی توجهی مسئولین مواجه شده و زمانی که به نزد همکاران خود باز می گردد در مقابل آنها از پیگیری بی نتیجه مطالبات خود خبر داده و به گفته یکی از کارگران در جمع همکارانش می گوید: "از این وضعیت خسته شده و می خواهد خودکشی کند تا شاید مسئولان شرکت به فکر مطالبات چندین ساله همکارانش بیفتند". این کارگر می گوید: باور نمی کردیم آقای نقدی که ساعتی قبل از اقدام به خودکشی وارد کمپ شده بود به گفته‌های خود عمل کند اما به صورت ناگهانی با جنازه در آب افتاده وی در شاه کانال آب مزارع نیشکر روبرو شدیم. تنها اقدامی که از دستمان برآمد خارج کردن جنازه از آب بود تا مبادا پیکر وی وارد پمپ شود.

نرخ بیکاری واقعی در کشور

۱۴ تا ۱۵ درصد است!



روز دوشنبه ۷ اسفند ماه، یک عضو انجمن اقتصاددانان ایران در واکنش به آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران مبنی بر اینکه "نرخ بیکاری فصل پاییز سال جاری، ۱۱.۹ درصد است" می گوید: متوسط بیکاری در ایران چیزی بین ۱۴ تا ۱۵ درصد است، این میزان را مرکز آمار نیز قبول دارد اما چون سازمان دولتی است، باید نرخ را کم اعلام کند. نه تنها ما با سازمان آمار و همچنین بانک مرکزی اختلافات آماری زیادی داریم بلکه سازمان آمار نیز با بانک مرکزی دارای اختلافات آماری هستند و هر کدام آمار خاصی را ارائه می دهند. واقعیت این است که متوسط بیکاری در ایران بین ۱۴ تا ۱۵ درصد است حتی در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان، گیلان و سمنان آمار بیکاری بسیار بیشتر بوده و به ۱۷ - ۱۸ درصد می رسد. به غیر از آماری که اعلام کردم، هر ساله حدود ۷۰۰ هزار نفر به خیل بیکاران کشور اضافه می شوند که بیشتر آنها را افراد تحصیل کرده تشکیل می دهند.



سرسخن:

نکاتی در باره شعارهای وارونه!

در جریان مبارزات و اعتراضات کارگران کارخانه هپکو در شهر اراک شعاری سر داده شد تحت عنوان "مرگ بر کارگر، زنده باد ستمگر". با توجه به اعتبای که کارگران هپکو به دلیل مبارزات دلاورانه و اقدامات عملی ای چون بستن جاده علیه رژیم جمهوری اسلامی مدافع سرمایه داران کسب کرده اند، این شعار خیلی زود از طرف کارگران برخی از مراکز تولیدی و یا با تغییراتی در کلمات از طرف برخی دیگر از اقشار ستمدیدگان شهری تکرار شد. شکی نیست که در این شعار وارونه طنزی گزنده نهفته است و کارگران به این وسیله حکومت را مورد خطاب قرار داده و ندا سر دادند که به باور آنها این حکومت به رغم همه مستضعف گرائی‌های فریبکارانه اش در نظر و عمل طرفدار و حامی پر و پا قرص کارفرمایان بوده و خط راهنمایش برای مسئولین خود همانا شعار "زنده باد ستمگر" می باشد. در واقع کارگران هپکو با این شعار به صورت استعاره این واقعیت را انعکاس دادند که در شرایطی که سرمایه دار علاوه بر کسب ارزش اضافی تولید شده توسط کارگران، بخش بزرگی از دستمزد کارگران را هم بالا می کشد، رژیم جمهوری اسلامی نه تنها سرمایه دار را مجبور به پرداخت دستمزد آنها نمی کند بلکه در مقابل اعتراضات کارگران، نیروهای مسلح اش را به سراغ کارگران می فرستد تا به نفع سرمایه داران اعتراضات به حق آنان را سرکوب کنند. بنابراین در این شعار وارونه، چهره واقعی جمهوری اسلامی به صورت طنزی تلخ نشان داده می شود و کارگران، آگاهی شان از چگونگی برخورد این رژیم با خود را به نمایش می گذارند. با این حال و به رغم پذیرش واقعیت طنز نهفته در این شعار نمی توان این واقعیت را از نظر دور داشت که این شعار وارونه، در شرایط پس از قیام های توده ای دیمه که کلیت رژیم جمهوری اسلامی چه در شعارهای توده ها و چه در عمل آنها مورد تعرض اردوی کار و متحدینش قرار گرفته بود، نه فقط بیانگر شعاری رو به جلو نبود بلکه شعار تظلم خواهانه ای بود که با قدرت واقعی طبقه کارگر در شرایط کنونی نیز انطباق نداشت.

در باره شعارهای وارونه ... از صفحه ۱

این تفکر وجود دارد که برای اجتناب از پرداخت "هزینه" زیاد در مقابله با رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی نه تنها باید به تاکتیک های تعرضی دست نزد بلکه در مبارزات توده ای هم نباید شعارهای تعرضی مطرح نمود.

اما این تفکر انطباقی با واقعیت های جامعه دیکتاتور زده با حاکمیت رژیم وحشی جمهوری اسلامی ندارد. تجربه نشان داده است که دیکتاتوری حاکم اساساً با نفس تجمع کارگران مخالف است چرا که از قدرت کارگران و از قدرت تجمع آنان به خوبی آگاه بوده و از آن در هراس است. از این رو وقتی کارگران دست به تجمع می زنند رژیم به هر ترتیب از سرکوب - به عنوان اصلی ترین وسیله اش در مبارزه با کارگران و دیگر ستمدیدگان جامعه - گرفته تا فریب کارگران به مقابله با آن بر می

خیزد. همه می دانند که رژیم حتی به تجمعاتی که در آن نه تنها شعار تعرضی داده نمی شود، بلکه حتی در سکوت و کاملاً مسالمت آمیز بر پا می شود نیز یورش می برد. منطق رژیم های وابسته به امپریالیسم که دیکتاتوری، ذاتی آنها است به همانگونه که در دوره رژیم شاه نیز بود روشن است. این دیکتاتوری ها می گویند: "سلطه من را بپذیرید تا از یورش مرگبار من در امان باشید". این سخن، بیان یک جمع بندی داهیانه از شرایط دیکتاتوری حاکم در رژیم شاه می باشد که توسط چریک فدائی خلق رفیق امیرپرویز پویان صورت گرفته و واقعیتی است که امروز نه فقط کارگران بلکه همه توده های تحت ستم ایران با گوشت و پوست خود آن را لمس می کنند. بنابراین تن دادن به چنان تفکر محافظه کارانه و غیر واقعی که گویا برای هزینه کم دادن باید از دادن شعارهای تعرضی اجتناب کرد، نه تنها باعث پیشرفت جنبش طبقه کارگر و تحقق خواسته های کارگران نمی گردد بلکه آنها را به عقب نیز می برد.

واقعیت این است که در شرایط دیکتاتوری عنان گسیخته حاکم، هر تجمع مبارزاتی برای رژیم به مثابه "اعلان جنگ" شمرده می شود و رژیم آن را به منزله زیر سؤال رفتن سلطه خود تلقی می کند. از این رو هر تجمع

مبارزاتی مورد یورش وحشیانه نیروهای سرکوب قرار می گیرد. در چنین شرایطی نباید جای تردیدی وجود داشته باشد که شعارهای وارونه تأثیری وارونه خواهند داشت و بیشتر ضعف شعار دهنده را به نمایش می گذارند تا قدرت وی را؛ قدرتی که در واقعیت دشمن از آن می ترسد و به هر وسیله ای متوسل می شود تا در عمل به نمایش در

این تفکر وجود دارد که برای اجتناب از پرداخت "هزینه" زیاد در مقابله با رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی نه تنها باید به تاکتیک های تعرضی دست نزد بلکه در مبارزات توده ای هم نباید شعارهای تعرضی مطرح نمود. اما این تفکر انطباقی با واقعیت های جامعه دیکتاتور زده با حاکمیت رژیم وحشی جمهوری اسلامی ندارد. تجربه نشان داده است که دیکتاتوری حاکم اساساً با نفس تجمع کارگران مخالف است چرا که از قدرت کارگران و از قدرت تجمع آنان به خوبی آگاه بوده و از آن در هراس است. ... همه می دانند که رژیم حتی به تجمعاتی که در آن نه تنها شعار تعرضی داده نمی شود، بلکه حتی در سکوت و کاملاً مسالمت آمیز بر پا می شود نیز یورش می برد. منطق رژیم های وابسته به امپریالیسم که دیکتاتوری، ذاتی آنها است به همانگونه که در دوره رژیم شاه نیز بود روشن است. این دیکتاتوری ها می گویند: "سلطه من را بپذیرید تا از یورش مرگبار من در امان باشید".

نیاید.

باید تأکید کرد که در شرایطی که "هیچ بودگان" جامعه یعنی اردوی بیشمار کار با دست خالی در خیزش دی ماه فریاد می زنند "آتش جواب آتش"، و مراکز سرکوب جنایتکاران حاکم را به آتش می کشیدند سر دادن شعار وارونه ای چون "درد بر ستمگر، مرگ بر کارگر" نه با واقعیت شرایط مبارزاتی کنونی علیرغم همه سرکوبهای دشمن انطباق دارد و نه به همان صورتی که خود واقعیت گواهی می دهد قادر است گرهی از مشکلات کارگران بگشاید. اتفاقاً در چنین اوضاع و احوالی که دشمن از تجمع کارگران و خیزش قهر آمیز آنها در وحشت بسر می برد و این وحشت را سردمداران جمهوری اسلامی و ایادی مزدورشان به اشکال مختلف بیان می کنند، کارگران پیشرو باید بیش از پیش به تجمعات اعتراضی پرداخته و در آن تجمعات توده ای نه فقط شعارهای هر چه تعرضی تری را مطرح کنند بلکه با سنجیدن همه مسایل و جوانب امر، دست به تاکتیک هائی بزنند که فضای مبارزاتی را به نفع طبقه کارگر تغییر دهد. این راهی است که می تواند رژیم وحشت زده از قدرت کارگران را بر آن دارد که سرمایه داران را مجبور به پرداخت حقوق های کارگران نماید. شعارهای تعرضی، شعارهائی چون "حساب ما پُر نشه اهواز

قیامت می شه" و یا شعار قبلی کارگران هپکو "زیر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا می کنیم در ره آزادی"، "می ایستیم، می رزمیم، حقوقمون می گیریم" و... می باشند. لازم است بدانیم که کارگران فولاد اهواز وقتی با شعار وارونه "درد بر ستمگر، مرگ بر کارگر" به تجمع مبارزاتی برای کسب حقوق های عقب افتاده خود دست

زدند طبق معمول مورد حمله مزدوران رژیم قرار گرفتند و آن مزدوران حتی تعدادی از کارگران را دستگیر نمودند. پس از این تجربه تلخ، کارگران مبارز فولاد اهواز در تجمع مبارزاتی بعدی خود به درستی و با روحی تعرضی فریاد زدند "زنده باد کارگر، مرگ بر ستمگر".

هر چه شعار های کارگران و پیشروان کارگری روشن تر باشند فعالیت های مبارزاتی آنها بهتر و سهلتر پیش خواهد رفت. شعارهای درست باید زائیده تحلیل درست از شرایط بوده و بتوانند مبارزات کارگران را قدمی به جلو ببرند. با در نظر گرفتن این امر می بینیم که

شعار وارونه مورد بحث چنین نبود. واقعیت این است که جمهوری اسلامی در آستانه مرگ قرار دارد و تشدید سرکوبهای وحشیانه اش بیانگر ضعف آن می باشد. در چنین شرایطی تنها با تشدید مبارزات تعرضی آمیز می توان رژیم را وادار به عقب نشینی نمود و تظلم خواهی نتیجه عکس خواهد داد.

کارگران امروز با توجه به شرایطی که در آن قرار گرفته اند لازم است با صراحت کامل خواسته های خود را فریاد زده و در اتحاد با همدیگر در جهت تحقق آن گام بردارند. نباید فراموش کرد که طبقه کارگر اگر چه امروز به دلیل نداشتن تشکل صنفی و سیاسی از آن خود به طور بالفعل در مقابل یورش سرمایه داران و رژیم حامی شان از توانائی لازم برخوردار نمی باشد، ولی به طور بالقوه از پتانسیلی برخوردار است که در صورت آزاد شدن، قادر است نه فقط زنجیر از دست و پای خود برکنند بلکه بر هر گونه ظلم و ستم و جهل و نادانی در جامعه نقطه پایانی بگذارد. به امید آن که رزم امروز کارگران ما تا به آن حد ارتقاء یابد که بتوانند فردا با انرژی بالقوه شان در صحنه مبارزه هر چه قویتر حضور یابند و شعار "مرگ بر ستمگر، زنده باد کارگر" در مبارزات آنها هر چه وسیعتر طنین انداز گردد.

یک بدهکار جان به لب رسیده اداره برق مشهد را به آتش کشید!

صبح روز چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه، یکی از مشترکان بدهکار شرکت توزیع نیروی برق مشهد، که جانش از اجحافات و رقم سازی های اداره برق به لبش رسیده بود با در دست داشتن مقداری بنزین به ساختمان امور برق ناحیه ۲ این شهر مراجعه و پس از مشاجرات طولانی اقدام به آتش زدن اتاق مدیر این اداره می کند. روابط عمومی اداره توزیع برق مشهد، ضمن تأیید این خبر گفته است: در این آتش سوزی مدیر امور برق ناحیه ۲ مشهد و یکی دیگر از کارکنان دچار سوختگی شده و به بیمارستان منتقل شدند. بر اساس این گزارش؛ فردی که اقدام به آتش زدن اداره برق کرده، ۲۰ میلیون ریال به شرکت برق مشهد بدهکار است. فرد خاطی نیز پس از فرار، توسط پلیس شناسایی و دستگیر شده است.



تجمعات اعتراضی کارگران هفت تپه برای معوقات مزدی!



روز های یکشنبه ۱۳ و دوشنبه ۱۴ اسفند ماه، شماری از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود در محوطه محل کار خود تجمع کردند. شمار معترضان که نزدیک به ۵۰۰ کارگر این مجتمع بر آورد شده است، گفته اند: در ۲ ماه گذشته با مشکل پرداخت معوقات مزدی مواجه بوده‌اند. در پرداخت حق بن این کارگران نیز وقفه‌ای ۸ ماهه ایجاد شده است. درعین حال تعدادی از کارگران هنوز بابت مطالبات بهمین و اسفند ماه سال ۹۴ طلبکارند. در این گزارش قید شده که روز قبل از این اعتراض یعنی روز شنبه ۱۲ اسفند ماه نیز گروهی از کارگران سابق هفت تپه که ماه‌هاست بازنشسته شده‌اند، به دلیل عدم پرداخت مزایای بازنشستگی خود دست به اعتراض زده بودند.

تجمع ۴۰۰ نفر از کارگران هپکو اراک مقابل سازمان خصوصی‌سازی



روز یکشنبه ۱۳ اسفند ماه، نزدیک به ۴۰۰ نفر از کارگران شرکت هپکو در اعتراض به خصوصی‌سازی و پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود از سوی کارفرما مقابل ساختمان سازمان خصوصی‌سازی تجمع کردند. این کارگران که بامداد روز یکشنبه از محل کار خود در شهر اراک راهی تهران شده‌اند، گفتند: بعد از آنکه در روز ۱۳ خرداد ماه، مالکیت این واحد صنعتی از سوی مسئولان سازمان خصوصی‌سازی به سهامدار جدید واگذار شد، مسئولیت کارخانه و پرداخت مطالبات کارگران نیز به عنوان یکی از تعهدات کارفرمای جدید تعیین شد که هنوز محقق نشده است. در زمان واگذاری، اهلیت مالک جدید در حالی از سوی مسئولان تایید شده که پیش از این سازمان خصوصی‌سازی، سهامدار سابق را به دلیل نداشتن اهلیت برکنار کرده بود. همه ما به عنوان شاغلین بزرگترین شرکت سازنده ماشین‌آلات راهسازی در مرحله نخست خواستار تغییر مالکیت به بخش خصوصی کارخانه و بهبود وضعیت کارخانه هستیم و در مرحله دوم می‌خواهیم در روند پرداخت مطالبات مزدی خلی ایجاد نشود.

قطع هر دو دست یک کارگر گندله‌سازی چادرملو در اثر حادثه کاری!

روز یکشنبه ۲۹ بهمن ماه، یکی از کارگران غیر بومی و پیمانکاری مجتمع معدنی صنعتی گندله‌سازی اردکان چادرملو، بر اثر برخورد با جرثقیل درحین کار هر دو دست خود را از دست داد. بر اساس این گزارش، بر اثر برخورد جرثقیل سقفی با کارگر و همزمان با ضربه آن، این کارگر روی ریل جرثقیل افتاد و جرثقیل از روی دستان وی رد شد. گزارش می‌افزاید: یکی از دستان برای پیوند به همراه مصدوم به اورژانس برده شده ولی دست دیگر در وضعیت خوبی قرار ندارد و به احتمال زیاد احتمال پیوند برای آن وجود ندارد.

در باره زندگی رفیق شهید فاطمه حسن پور... از صفحه ۱

شکنج‌های ددمشانه ساواک شاه قرار گرفت اما او لب به سخن نگشود و اسرار گروه جنگل همچنان برای دشمن ناگشوده ماند. اما بعد، با دستگیری افرادی دیگر که از شکل‌گیری گروه جنگل اطلاع داشتند دشمن به اطلاعاتی در مورد گروه جنگل و رفیق غفور دست یافت. از آن به بعد حساسیت ساواک نسبت به این رفیق بیشتر شد و منجر به دستگیری دیگر برادران رفیق و حساسیت بیشتر روی رفیق فاطمه گشت. به دنبال رستاخیز سایه‌ها و اعدام رفیق غفور حسن پور در ۲۶ اسفند سال ۱۳۴۹ خشم و نفرتی بزرگ سرا پای رفیق فاطمه این زن کمونیست را فرا گرفت و او بیش از پیش خواستار آن بود که انرژی انقلابی‌اش را در راه رهایی توده‌های دربند ایران صرف نماید. اما با توجه به عدم ارتباط با چریک‌های فدائی خلق او چاره‌ای نداشت جز اینکه تا پیدا کردن چنین امکانی، انتظار بکشد و صیقل دهد سلاح انتقام‌آبایی را. به رغم سنگینی غم از دست دادن رفیق و آموزگاری چون رفیق غفور بیشتر فعالیت‌های این مقطع از زندگی رفیق فاطمه در چهارچوب خانواده‌های شهدا و زندانیان فدائی دنبال می‌شد. به خصوص که مادر این رفقا (غفور، فاطمه و مصطفی...) شیرزن آگاه و شجاع و از اولین مادران مبارزی بود که به گفته زنده یاد مادر سنجری، هنگامی که به جلوی زندان برای ملاقات پسرانش می‌رفت با چنان روحیه مبارزاتی با مأموران رژیم شاه برخورد می‌کرد که همگان را تحت تأثیر قرار می‌داد. این مادر شجاع با ایستادن در مقابل مأموران دشمن و پخش نظرات مبارزاتی خود در میان خانواده‌های زندانیان سیاسی، الگویی برای دیگر مادران زندانیان سیاسی گردید. در مورد این مادر که فرزندان انقلابی چون فاطمه را در دامن خود پرورش داده و همچنان در جلوی درب زندانها و در میان خانواده‌های زندانیان سیاسی به او درس رزمندگی می‌داد، رفیق حمید اشرف نوشته است: "مادر رفیق شهید غفور حسن پور هنگامی که خبر تیرباران فرزندش را به او رساندند چنین گفت: "انقلاب ایران همچون درخت تناوری است که ریشه‌های قطورش در دل خاک وطن جای دارد. پسر من و نظایر پسر من تنها شاخه‌های این درخت هستند و دشمن تنها میتواند شاخه‌های این درخت را بزند ولی ریشه همچنان پابرجاست و با زدن هر شاخه، شاخه‌های بسیار خواهند روئید. پس من از مرگ فرزندم دلگیر نیستم، امید من به شاخه‌های جدید است." بالاخره رفیق فاطمه امکان یافت با سازمان چریک‌های فدائی خلق ارتباط برقرار کند. در این زمان او با رفقا عبدالله سعیدی بیدخی و رفیق کبیر فریدون جعفری در ارتباط بود. به این ترتیب آنچه که وی در همه این سالها در انتظارش بود واقعیت یافت و دوران جدیدی در زندگی رفیق فاطمه شروع شد. از این زمان به بعد رفیق فاطمه در ارتباط با چریک‌های فدائی خلق زندگی مخفی در پیش گرفت. در همین دوران بود که رفیق مصطفی حسن پور یکی از برادران رفیق فاطمه نیز از زندان مشهد آزاد و با توجه به روابط گسترده‌ای که داشت خیلی زود در ارتباط با چریک‌های فدائی خلق قرار گرفت. در آن زمان سازمان چریک‌های فدائی خلق شاخه‌ای در مازندران داشت که توسط رفیق جعفری به وجود آمده بود و در نتیجه آن در شهرهای آمل، ساری، گرگان و... تیم‌هایی مستقر شده بودند. این شاخه تحت مسئولیت رفیق بهمن روحی آهنگرانی قرار گرفت و رفیق فاطمه و رفیق مصطفی نیز در این شاخه به مبارزات خود ادامه دادند. در دی ماه سال ۵۴ سرانجام زندگی الهام برانگیز چریک فدائی خلق، رفیق فاطمه حسن پوراصیل شیرجوپشت به پایان خود رسید و متأسفانه هنگامی که در این تاریخ شاخه مازندران زیر پیگرد‌های همه‌جانبه ساواک قرار گرفت رفیق فاطمه در یک درگیری قهرمانانه با نیروهای سرکوبگر رژیم سلطنت در شهر آمل، جانش را وثیقه تحقق آرمانهای کارگری خود نمود.

یاد رفیق فاطمه حسن پور گرامی و راهش پر رهرو باد!

اخباری از مبارزات کارگران گروه صنعتی فولاد اهواز

دور جدید تجمعات اعتراضی کارگران گروه صنعتی فولاد اهواز



صبح روز چهارشنبه ۲ اسفند ماه، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در اعتراض به رویه مدیریت این کارخانه، مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند. بر اساس این گزارش، نزدیک به ۴۰۰ کارگر با برپایی یک تجمع صنفی در مقابل ساختمان استانداری خوزستان، اعتراض خود را نسبت به عملکرد مدیریت جدید اعلام داشته و گفتند: کارگران معترض که دست کم ۳ ماه معوقات مزدی به همراه عیدی و پاداش پایان سال خود را از کارفرما طلبکارند، از زمان تغییر مدیریت کارخانه با مشکلاتی مانند پرداخت نشدن سه ماه مزایای مزدی، و متوقف شدن فعالیت‌های کارخانه مواجه اند. در ادامه این اعتراض روز جمعه ۴ اسفند ماه، کارگران معترض صنایع فولاد اهواز با تجمع در مصلی اهواز، با فریاد شعار وارونه "مرگ بر کارگر، درود بر ستمگر" و یا "یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه"، مراسم دولتی نماز جمعه را عملاً به هم زده و خواهان پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. با توجه به عدم رسیدگی کارفرما به خواسته‌های کارگران اعتراضات آنها ادامه یافت و در نتیجه صبح روز شنبه ۵ اسفند ماه، حدود ۵۰۰ کارگر به نمایندگی از سوی حدود ۴ هزار کارگر شاغل در کارخانه شرکت ملی فولاد اهواز، تجمع اعتراضی دیگری را برای پیگیری مطالبات صنفی محقق نشده خود، برگزار کردند. به دنبال این حرکت صبح روز یکشنبه ۶ اسفند ماه، صدها نفر از کارگران اهوازی شاغل در کارخانه‌های گروه ملی صنعتی فولاد اهواز شامل کارخانه فولادسازی، نورد کوثر، نورد تیرآهن، کارخانه لوله‌سازی و ماشین‌سازی در اعتراض به بی‌توجهی مدیران کارخانه به پرداخت مطالبات معوقه خود از فلکه کیانپارس اهواز تا ساختمان استانداری خوزستان راهپیمایی کردند.

تحت تاثیر این مبارزات روز دوشنبه ۷ اسفند ماه، همزمان با تجمع حدود ۵۰۰ کارگر رسمی و روزمزد از کارگران فولاد اهواز مقابل استانداری، استاندار خوزستان از پیگیری وضعیت ۴ هزار کارگر گروه ملی فولاد اهواز در وزارت کشور خبر داد. به دنبال این امر صبح روز سه شنبه ۸ اسفند ماه، کارگران کارخانه گروه ملی فولاد اهواز که چند ماه معوقات مزدی دارند بصورت نمادین با پهن کردن

سفره خالی مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع زدند. جدا از مسئله به تاخیر افتادن سه ماه معوقات مزدی، مدیران این کارخانه در آستانه سال نو قصد ندارند عیدی کارگران را نیز پرداخت کنند.

دستگیری بیش از ۱۰ نفر از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز

شب پنجشنبه ۹ اسفند ماه، در نهمین روز اعتصاب و تجمع اعتراضی متحدها کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در مقابل استانداری خوزستان، نیروهای امنیتی و انتظامی اهواز با در دست داشتن لیستی از کارگران معترض گروه ملی فولاد اهواز به منازل آنان حمله ور شده و بیش از ۱۰ تن از فعالان کارگری اهواز را بازداشت کردند. این بازداشت‌های شبانه، آن هم پیش چشم خانواده‌های کارگران در حالی رخ می‌دهد که پس از ماهها تلاش تنها حقوق آذرمه خود را دریافت کرده‌اند و تاکنون از دریافت دستمزد ۳ ماه آخر سال جاری خبری نیست و به همین علت نیز خود و خانواده‌هایشان در وضعیت به غایت مصیبت باری برای گذران زندگی قرار دارند.

در رابطه با بازداشت کارگران معترض گروه ملی فولاد!

روز شنبه ۱۲ اسفند ماه، رییس کل دادگستری خوزستان در رابطه با بازداشت کارگران فولاد اهواز گفت: علت بازداشت تعدادی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز تجمعات غیرقانونی و بدون مجوز است. بازداشت با دستور دادستانی و از سوی نیروی انتظامی انجام شده است. نیت کارگران گروه ملی فولاد اهواز از تجمع، رساندن مشکلاتشان به گوش مسئولان است. اکنون این اتفاق رخ داده، ادامه روند اعتراضی کارگران به صلاح نیست و ممکن است این تجمعات مورد سوءاستفاده قرار بگیرد. از کارگران گروه ملی فولاد اهواز درخواست داریم با سرمایه‌گذار جدید این کارخانه همکاری لازم را داشته باشند. احتمال دارد در میان معترضان افرادی سودجو !!! وجود داشته باشند که نیت خیری برای حضور در این تجمعات نداشته و اهداف اصلی کارگران را که کسب مطالباتشان است، تحت‌الشعاع قرار دهند. "نامبرده در جریان سخنان خود گفت: "کارگران غیر قانونی تجمع کردند، جمع شان کردیم."

معاون سیاسی اجتماعی استاندار خوزستان نیز با اشاره به بازداشت تعدادی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز، فریبکارانه اعلام کرد: از همه کارکنان و کارگران شریف این کارخانه درخواست داریم مطالبات خود را در چارچوب قانون دنبال کنند تا مورد سوءاستفاده دشمنان واقع نشوند. صبح روز شنبه ۱۲ اسفند ماه، جلسه کمیسیون کارگری استان خوزستان با حضور اعضای این گروه در ساختمان

استانداری خوزستان برگزار شد. معاون مدیرکل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خوزستان در خصوص برگزاری این جلسه اظهار داشت: در جلسه امروز مسئولان به بررسی مسائل و مشکلات کارگران گروه ملی فولاد اهواز و موضوع بازداشت اخیر تعدادی از کارگران این واحد صنعتی پرداختند، وی با بیان اینکه از کارگران می‌خواهیم مطالبات صنفی خود را به‌صورت قانونی پیگیری کنند، با پیشروی تمام افزود: قطعاً این کارگران به دلیل پیگیری مطالبات صنفی و مزدی خود بازداشت نشده‌اند بلکه این اقدام به دنبال برهم خوردن امنیت جامعه صورت گرفته است. از طرف دیگر قرار شد کارفرمای گروه ملی فولاد اهواز برنامه زمان‌بندی شده‌ای را درخصوص پرداخت معوقات مزدی کارگران و سایر بدهی‌های خود به کمیسیون اعلام کند.

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد در اهواز خواستار آزادی همکاران خود شدند!

روز سه شنبه ۱۵ اسفند ماه، یکی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز گفت: در تجمع اعتراضی امروز سه شنبه حدود ۷۰۰ کارگر گروه ملی علاوه بر طرح خواسته‌های صنفی خود، خواستار آزادی همکاران دستگیر شده خود نیز شدند. بر اساس این خبر ۸ نفر از کارگران این کارخانه که نیمه‌شب روز جمعه بازداشت شده بودند، امروز سه شنبه آزاد شدند.

ادامه تاخیر در پرداخت معوقات کارگران بلبرینگ‌سازی تبریز!

روز شنبه ۱۲ اسفند ماه، کارگران کارخانه بلبرینگ‌سازی تبریز گفتند: باوجود آنکه این واحد صنعتی از آبان ماه سال جاری از بخش خصوصی به هیات حمایت از صنایع واگذار شده، کارگران هنوز بابت ماه‌های مرداد، شهریور، مهر و بهمن مزد دریافت نکرده‌اند و خبری هم از زمان پرداخت عیدی نیست. بعد از سالها چالش کارگری، با پیگیری سازمان صنایع و معادن استان آذربایجان شرقی، کارخانه بلبرینگ‌سازی از بخش خصوصی به هیات حمایت از صنایع برگردانده شد. با این تصمیم انتظار بهبود وضعیت فعلی کارخانه را به نسبت قبل داشتیم. با این حال در طول ۴ ماه گذشته اتفاق خاصی در روند پرداخت مطالبات کارگران و آغاز فعالیت تولیدی کارخانه مشاهده نشده است. کارگران همچنین می‌گویند: مشکلات کارگران کارخانه بلبرینگ‌سازی تبریز، تنها در تاخیرهای چند ماهه و پرداخت نشدن دستمزدها خلاصه نمی‌شود بلکه امنیت شغلی آنها نیز به موازات پرداخت نشدن دستمزد به خطر افتاده است.

بازنشستگان کشوری مقابل وزارت کار

تجمع کردند



صبح روز سه شنبه ۸ اسفند ماه، جمعی از بازنشستگان کشوری شامل آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و چند ارگان دولتی دیگر با خواست رفع تبعیض در پرداخت مستمری‌ها، اجرای دقیق همسان‌سازی و ارتقای سطح بیمه تکمیلی و پایه، در مقابل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تجمع کردند. یکی از حاضران در تجمع گفت: بعد از ۳۰ سال خدمت برای دولت به عنوان یک پرستار، باید در دوران بازنشستگی که علی‌القاعده زمان استراحت و وقت صرف کردن برای خانواده است، به دنبال شغل دوم باشیم تا بتوانیم از پس هزینه‌های معاش حداقلی بر بیاییم. نامبرده تاکید نمود که تجمعات مکرر بازنشستگان تاکنون هیچ نتیجه‌ای دربر نداشته‌است و هیچ مسئولی پاسخگویی بازنشستگان نبوده‌است.

جان باختن و مصدومیت ۵ کارگر

شهرداری بر اثر برق‌گرفتگی در حین کار!

روز چهارشنبه ۹ اسفند ماه، سخنگوی اورژانس کشور خبر داد که ۵ کارگر شهرداری نیر در استان یزد دچار برق‌گرفتگی شدند. بر اساس این گزارش کارگران شهرداری نیر در حال نصب میله پرچم بوده‌اند که به دلیل برخورد میله پرچم با کابل برق فشار قوی، ۲ کارگر جان خود را از دست داده و ۳ کارگر دیگر مصدوم و راهی بیمارستان گشتند.

تجمع کارگران بازنشسته معدن زغال سنگ

البرز مرکزی در شهر زیر آب

روز چهارشنبه ۹ اسفند ماه، شماری از بازنشستگان معدن زغال سنگ البرز مرکزی در استان مازندران، مقابل ساختمان امور بازنشستگی صندوق فولاد در منطقه زیرآب تجمع کردند. این بازنشسته‌ها که خواستار وصول مطالبات محقق نشده و پرداخت به موقع مستمری بازنشستگی خود هستند می‌گویند: در حال حاضر مستمری بهمین و اسفند خود را به همراه عیدی دریافت نکرده و صندوق فولاد مشکلات زیادی در بحث ارائه خدمات درمانی و رفاهی برای آنان بوجود آورده‌است. جدا از تاخیرهایی که در زمینه پرداخت مستمری ماهانه ما ایجاد شده، خواستار اجرای نظام هماهنگ و افزایش مستمری خود هستیم.

اعتراض کارگران تصفیه‌خانه شیراز به عدم

پرداخت معوقات مزدی

در پی انتشار خبر اعتراض صنفی گروهی از کارگران پروژه تصفیه‌خانه شیراز، در تاریخ دوشنبه ۲۳ بهمن ماه، مسئولان شرکت آبفای شهر شیراز از پرداخت تمامی مطالبات معوقه خبر دادند. بر اساس این خبر از هفته گذشته پیمانکار کارگران مورد نظر پرداخت مطالبات معوقه را آغاز کرده بود که امروز دوشنبه ۲۳ بهمن ماه، نیز ادامه یافت. این خبر در حالی انعکاس می‌یابد که کارگران پیمانکاری در بخش ساختمان پروژه تصفیه‌خانه شیراز مدتی است مطالبات مزدی خود را با تاخیر دریافت می‌کنند. در مورد خبر پرداخت معوقات مزدی توسط مسئولان آبفا، جالب است که کارگران تا این لحظه از دریافت و یا واریز شدن معوقات مزدی به حساب هایشان اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند.

تجمع کارگران کارکنان شرکت آهاب

در اعتراض به معوقات مزدی

صبح روز شنبه ۵ اسفند ماه، یکی از کارگران شرکت آهاب گفت: حدود صد نفر هستیم که به نمایندگی از طرف حدود هزار نفر از کارمندان و کارگران شاغل در شرکت آهاب که در زمینه تعمیر و بازسازی خطوط متروی تهران فعالیت دارد، این تجمع را در اعتراض به بیشتر از ۷ ماه مطالبات مزدی پرداخت نشده خود، در مقابل ساختمان مرکزی شرکت آهاب در خیابان شیخ بهایی شمالی برگزار کردیم. بر اساس این گزارش، در دو روز پنج شنبه ۳ و جمعه ۴ اسفند ماه نیز تجمعاتی مشابه در همین مکان برگزار شده بود. در این گزارش در همین رابطه به نقل از مدیرعامل شرکت آهاب قید شده که: حقوق معوقه کارگران، ۷ ماه است. در پی مشاهده تجمع امروز از سوی ماموران کلاتتری ونک، رئیس کلاتتری جهت اطلاع یافتن از دلیل تجمع، به اینجا رجوع کرده و تا زمان رسیدن به توافق در جمع حاضر بود. با حضور آنها توافقی صورت گرفت مبنی بر تعهد شرکت به پرداخت ۳ ماه حقوق معوقه و عیدی کارگران و کارمندان تا پیش از پایان اسفندماه. به دنبال این توافق روز یکشنبه ۱۳ اسفند ماه، گروهی از کارگران و کارمندان شرکت آهاب با تجمع در مقابل درب اصلی ساختمان مرکزی شرکت آهاب اعلام کردند: به‌رغم وعده‌های مدیریت شرکت مبنی بر پرداخت ۳ ماه از معوقات مزدی به همراه عیدی کارکنان، تا پیش از پایان سال جاری که توافق مذکور با حضور نیروی انتظامی صورت مجلس هم شده بود، در اولین زمان وعده شده فقط نیمی از حقوق یک ماه کامل پرداخت شد و در مقابل، از کارگران خواسته شده به تجمع و اعتراض پایان دهند. بنابراین تجمع امروز یکشنبه هم، نه فقط به‌خاطر خلف وعده شرکت در پرداخت قسط اول، بلکه به دلیل نبود هیچ‌گونه تضمین برای پرداخت قسط‌های بعدی وعده داده شده است.

تجمع کلاه‌زدها در مقابل وزارت نیرو



صبح روز سه شنبه ۸ اسفند ماه، بیش از ۲۰۰ نفر از اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق سراسر کشور به تهران آمدند و به عنوان اعتراض در مقابل وزارت نیرو تجمع کردند. اپراتورها که طرح جذب آنها به صورت کارگر دائم توسط وزیر نیرو ابلاغ شده‌است، می‌گویند: اراده‌ای برای اجرایی کردن این ابلاغیه وجود ندارد و تصمیمات قبلی برای جذب، اجرایی نشده‌است. با گذشت چند ماه از امضای طرح، هنوز بالاتکلیفی کلاه‌زدها به بهانه نبودن چارت خالی برای استخدام ادامه دارد.

تجمع ۱۰۰ نفر از کارگزاران صندوق بیمه

کشورزی در تهران

صبح روز سه شنبه ۱۵ اسفند ماه، بیش از ۱۰۰ نفر از کارگزاران صندوق بیمه کشورزی سراسر کشور به تهران آمدند و مقابل صندوق بیمه کشورزی تجمع کردند. معترضان می‌گویند: مدت‌هاست طرح جذب ما، در انتظار طرح در صحن علنی مجلس مانده است و اکنون که بررسی لایحه بودجه در مجلس به پایان رسیده، بازهم وعده مطرح شدن طرح به سرانجام نرسیده‌است. شرکت‌کنندگان در تجمع، همچنین از زهمه‌هایی که مبنی بر ایجاد شرکت‌های خصوصی در سراسر کشور برای جذب کارگزاران شنیده می‌شود، ابراز نگرانی کرده و گفتند: در طرح جذب، تصریح شده که ما باید جذب بدنه دولت شویم و از مسئولان می‌خواهیم ما را به اجبار به دامان شرکت‌های خصوصی نیندازند.

۴ ماه مزد معوقه و عیدی کارگران گروه

نساجی فرقانی قزوین!

روز شنبه ۵ اسفند ماه، کارگران شاغل در گروه نساجی فرقانی واقع در شهر صنعتی البرز استان قزوین گفتند: ۶۰۰ کارگر گروه نساجی فرقانی که شامل کارخانه‌های یاس نخ، یاس نخ البرز، نخ البرز، صنایع بافت تکمیلی ایران و نخ پاسارگاد می‌شود، تحت مسئولیت کارفرمای واحد در شهر صنعتی البرز قزوین و کاسپین مشغول به کارند که مزد ۴ ماه گذشته به همراه عیدی و پاداش پایان سال به آنها پرداخت نشده‌است. این کارگان می‌گویند: اگر مسئولان هرچه سریعتر به وضعیت کارخانه‌های گروه نساجی فرقانی، رسیدگی نکنند، در آینده نزدیک شاهد تعطیلی کامل واحدهای آن و بیکاری کارگزارانش خواهیم بود.

۵۰ هزار نفر به علت کم آبی زاینده رود بیکار شده‌اند!



در گزارشی به تاریخ شنبه ۵ اسفند ماه، اعلام شد: گسترش بیکاری و ازدیاد فقر در میان کشاورزان اصفهانی، آنهم در استانی که ۵۶۹ هزار هکتار زمین کشاورزی دارد، یعنی چیزی معادل ۵,۲ درصد از کل اراضی کشاورزی ایران، معنایش بیکاری ۵۰ هزار کشاورز تنها در این ناحیه از کشور است. در گزارش آمده است که: در سال ۱۳۹۱ کشاورزان اصفهانی برای رساندن صدای اعتراض خود به گوش مسئولان دست به تجمع زدند و درگیری‌هایی میان آنها و نیروی انتظامی پیش آمد. آخرین بار کشاورزان اصفهانی دردی ماه سال جاری تجمع کردند. آنها ۱۰۰ دستگاه از تراکتورهای خود را در کنار جاده‌ها مستقر کردند و در همانجا چادر زدند و خواهان دریافت حقه‌های خود شدند. کشاورزان شرق اصفهان دو کشت سهم آب دارند اما حالا شرایط به گونه‌ای شده که به یک کشت سهم آب در پاییز قناعت کرده‌اند. با این حال مسئولان نظام اعلام کرده‌اند: "پاییز امسال هم آبی برای کشت به کشاورزان اختصاص داده نشده است". کشاورزان معترض به رسانه‌ها می‌گویند: "نان شب نداریم، چرا به داد ما نمی‌رسند؟ مردم گشنه هستند، درد دلشون رو به کی بگن؟ این عدله، این عدالت؟". بر اساس این گزارش، دولت یازدهم و دوازدهم سیاست‌های نادرست آبی دولت‌های نهم و دهم و هفتم و هشتم را با شدت و حدت بیشتری دنبال کرده و نسبت به انتقال آب زاینده رود اقدام کرده‌اند، لذا در ماه‌های آینده و همزمان با آغاز فصل کشت بهار، شاهد دور جدیدی از اعتراضات معیشتی کشاورزان اصفهانی خواهیم بود. یکی از اعضای کمیته آب اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان، درباره مشکلات پیش روی کشاورزان در فصل بهار سال ۹۷ گفته است: "طبق آخرین برآوردهای صورت گرفته، امکان واگذاری آب برای کشت بهار کشاورزان شرق وجود ندارد. باید توجه داشت که مسئولان هنوز برای حل مشکلات کشاورزان شرق ورود نکرده‌اند و این امر، معضلی بزرگ را در آینده به همراه خواهد داشت. در این گزارش آمده که حسن روحانی در دوازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری گفته بود: "در دولت یازدهم مردم را از خطر خشکی دریاچه ارومیه نجات دادیم و این بار نوبت زاینده رود است". با این حال احیای دریاچه ارومیه هم تنها چند روزی موجب شادی کشاورزان آذربایجانی شد و حالا شرایط آنها بهتر از کشاورزان اصفهانی نیست و محصولات آنها هم در بی‌آبی می‌سوزند.

کارگران رنگین‌نخ سمنان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود به

اعتراض بر خاستند

صبح روز دوشنبه ۱۶ بهمن ماه، یکی از کارگران کارخانه رنگین‌نخ سمنان گفت: حدود ۴۰ نفر از کارگران این کارخانه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود مقابل استانداری تجمع کردند. کارگران شاغل و بازنشسته رنگین‌نخ، مقدار زیادی مطالبات پرداخت نشده دارند که مربوط به دستمزد معوقه، مزایا و سنوات خدمت است. در این گزارش به نقل از این کارگر آمده است که: کارفرمای این کارخانه که در حال حاضر تعطیل و به خاطر بدهی به نهادهای مختلف پلمپ شده، بخش زیادی از معوقات کارگران را نپرداخته است. به طوری که هر کارگر در حال حاضر چند میلیون طلب وصول نشده دارد. تعدادی از ما به اداره کار شکایت کردیم. فقط توانستیم اندکی از مطالبات خود را بگیریم. باقی مطالبات پرداخت نشده باقی مانده است. از مسئولان بالادستی از جمله استانداری می‌خواهیم که صدای ما کارگران رنگین‌نخ را بشنوند و برای پرداخت طلب ما چاره‌ای بیندیشند.

اخراج ۱۴ کارگر واحد گردشگری



روز دوشنبه ۱۴ اسفند ماه، کارگران شرکت سرمایه‌گذاری ایرانگردی و جهانگردی گفتند: مشاور مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری ایرانگردی و جهانگردی پس از تعدیل این کارگران گفته است: این تعداد نیروی کار که تعدادشان به ۱۴ نفر می‌رسد بعد از اتمام قرارداد کار (روز سه شنبه ۲۹ اسفند ماه) از سوی کارفرما بیکار می‌شوند. بیکاری این تعداد نیروی کار با مجوز مسئولان بالادستی برای کاهش هزینه‌های جاری صورت گرفته است. گزارش می‌افزاید: کارگران مذکور دست‌کم ۲ ماه دستمزد، سنوات خدمت و حق عیدی پایان سال ۹۶ را از کارفرما طلب دارند. در مجموع ۱۵۰۰ نیروی کار در شرکت سرمایه‌گذاری و جهانگردی در سراسر کشور و ۱۴۰ نفر در دفتر مرکزی تهران مشغول کارند که مطالباتشان هر ماه با تاخیر پرداخت می‌شود. گزارش در ادامه به نقل از کارگران اخراجی افزود: کارفرما معتقد است، این تعدیل‌ها به جهت کاهش هزینه‌ها صورت گرفته است و برای کم کردن بیشتر هزینه‌های شرکت باید تعداد نیروی کار را به حداقل برساند به همین دلیل زرمه اخراج شمار دیگری از کارکنان دفتر مرکزی به گوش می‌رسد.

تجمع اعتراضی کارگران هپکو اراک به معوقات مزدی خود!



روز سه شنبه ۱۷ بهمن ماه، کارگران کارخانه هپکو در استان مرکزی اعلام کردند: بعد از برپایی تجمع اعتراضی روز دوشنبه ۱۶ بهمن ماه، سازمان خصوصی‌سازی معادل یک ماه از معوقات مزدی آنها را پرداخت کرده است. کارگران یادآور شدند: روز دوشنبه ۲۵ دی ماه، جلسه‌ای با حضور نمایندگان ادارات کار، صنایع و سازمان خصوصی‌سازی برگزار و مقرر شده بود که بخشی از مطالبات مزدی آنها هرچه سریع‌تر پرداخت شود. پس از گذشت بیش از ۲۰ روز، این مصوبه اجرایی نشد و به همین دلیل روز دوشنبه، با برپایی تجمع اعتراضی پیگیر مطالبات معوقه خود شدیم. در پی این تجمع که کارگران شعار وارونه "مرگ بر کارگر، درود بر ستمگر" سر دادند، سازمان خصوصی‌سازی معادل یک ماه از معوقات مزدی آنها را پرداخت کرد و در حال حاضر طلب مزدی باقیمانده آنها تنها شامل مطالبات ماه‌های آذر و دی می‌باشد. مدیرکل کار و رفاه اجتماعی استان مرکزی در رابطه با تجمع کارگران گفت: در جلسه ۲۵ دی‌ماه، مقرر شد سازمان خصوصی‌سازی تا پایان بهمن، بابت دستمزد ماه‌های آبان و آذر با کارگران تسویه حساب کند. اما متأسفانه به دلایل نامشخص، این سازمان به تعهد خود با تاخیر عمل کرد. برای همین روز دوشنبه ۱۶ بهمن ماه، کارگران تجمع اعتراضی برپا کردند.

کارگران شبکه آبیاری سد سیازخ

دیواندره و اعتراض به معوقات مزدی

روز سه شنبه ۱۷ بهمن ماه، یکی از کارگران پیمانکاری مجری طرح انتقال آب و شبکه آبیاری سد "سیازخ" در دیواندره گفت: حدود ۶۰ کارگر پیمانکاری شرکت کران دریا مجری پروژه سد "سیازخ" در استان کردستان حدود ۹ ماه از اردیبهشت ماه سال جاری تاکنون حقوق خود را دریافت نکرده‌اند. نامبرده همچنین گفت: باوجود اینکه چندین بار از امور آب منطقه‌ای و کارفرمای شرکت درخواست کردیم تا حقوق معوقه ما را پرداخت کنند، به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌ایم، بنابر این کارگران برای پیگیری مطالبات مزدی خود مقابل ساختمان استانداری کردستان تجمع کردند. این در شرایطی است که مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای کردستان با تأیید معوقات مزدی کارگران می‌گوید: به زودی معوقات را پرداخت می‌کنیم !!!

تجمع کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه نسبت به عدم تحویل مسکن تعاونی



صبح روز چهارشنبه ۱۸ بهمن ماه، برای دومین روز متوالی جمعی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در اعتراض به تحویل نگرفتن مسکن تعاونی خود "پروژه‌های سپیدار ۲ و ۳"، مقابل ساختمان شهرداری تهران تجمع کردند. کارگران معترض می‌گویند: "پروژه‌های مسکونی سپیدار ۲ و ۳" باید سال ۹۱ تحویل داده می‌شد، اما ۵ سال از موعد تحویل گذشته و همچنان خانه‌ها نیمه‌کاره‌اند. پس تکلیف وعده‌هایی که داده‌اند، چه می‌شود؟ درگزارش به نقل از معترضین آمده است که: از آنجا که مدیر پروژه را شهردار تهران تعیین می‌کند، برای دومین روز متوالی مقابل ساختمانی شهرداری جمع شده‌ایم تا شهرداری تهران در این رابطه خود را ملزم به پاسخگویی بداند. پیش از این نیز بارها مقابل شورای شهر تهران، تجمع اعتراضی برگزار کردیم.

درخواست اخراج و تعدیل ۴ درصدی نیروی کار از طرف رئیس شورای شهر!

در اولین هفته اسفند ماه سال جاری، رئیس شورای شهر تهران در نامه‌ای خطاب به شهردار تهران خواستار ارزیابی عملکرد نیروهای قراردادی شهرداری و تعدیل حداقل ۴ درصد از آنها شده است. در این نامه آمده‌است: به موجب ماده ۱۱۷ مصوبه برنامه ۵ ساله دوم شهرداری تهران، شهرداری موظف است نسبت به بررسی صلاحیت عمومی و ارزیابی شایستگی‌ها و عملکرد کلیه کارکنان قراردادی و ساماندهی نیروی انسانی به نحوی که حداقل ۴ درصد از نیروهای قراردادی کاهش یابد، اقدام نماید.

در این گزارش همچنین اضافه شده است که: خواسته شورای شهر از شهرداری تهران، کارگران قراردادی و پیمانکاری شهرداری را نگران کرده است. این کارگران که همواره به تبعیض در شهرداری اعتراض داشته‌اند، می‌گویند: قراردادی‌ها همواره قربانی تعدیل هستند، درحالی‌که همیشه در پرداخت‌ها و امکانات شغلی بین کارکنان قراردادی، پیمانکاری و رسمی در شهرداری تفاوت بسیار وجود دارد. قبل از هر چیز باید از واگذاری‌ها به شرکت‌های پیمانکاری جلوگیری شود و سعی کنند که تبعیض‌ها را پایان دهند. به جای آن می‌خواهند حداقل ۴ درصد از نیروهای شاغل را بیکار کنند و این به هیچ وجه با عدالت شغلی همخوانی ندارد.

کارگران منطقه آزاد اروند مقابل دفتر اشتغال تجمع کردند



صبح روز شنبه ۲۸ بهمن ماه، کارگران پیمانکاری شاغل در منطقه آزاد اروند با تجمع مقابل دفتر اشتغال این منطقه آزاد اقتصادی خواهان رسیدگی به مطالبات برآورده نشده خود شدند. کارگران معترض می‌گویند: نحوه رسیدگی به دعاوی و اختلافات کارگری و کارفرمایی در دفتر اشتغال مناطق ویژه اقتصادی کشور به درستی انجام نمی‌شود و محاکم روابط کار در دفتر اشتغال منطقه آزاد اروند از استقلال لازم برای رسیدگی به اختلافات صنفی دوجانبه میان کارگران و کارفرمایان برخوردار نیستند. به دلیل محدودیت‌هایی که در مقررات اشتغال این منطقه برای کارگران وضع شده است، کمتر کارگری شانس پیروزی در برابر کارفرمایان و پیمانکاران در محاکم کار ویژه این مناطق را دارد. البته در منطقه ویژه اروند وکلایی حقوقی هستند که حاضرند در قبال دریافت حداقل بخشی از طلب ادعایی کارگر در هیات‌های رسیدگی‌کننده به عنوان نماینده تام‌الاختیار وی حاضر شوند که البته آنها هم از سوی سازمان منطقه ویژه اقتصادی اروند با محدودیت حضور در محاکم روابط کار روبرو هستند و ما کارگران دستمان به جایی بند نیست.

تجمع اعتراضی کارگران پیمانی شاغل در واحدهای پتروشیمی بندر امام

صبح روز چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه، نزدیک به ۱۵۰ نفر از کارگران پیمانکاری شاغل در واحدهای پتروشیمی مستقر در منطقه ویژه اقتصادی بندر امام در اعتراض به تبعیض مزدی در محاسبه و پرداخت مطالبات مزدی میان نیروهای کار پیمانکاری و قراردادی مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند. در این گزارش به نقل از یکی از کارگران آمده است که: هفته گذشته نیز گروهی از کارگران پیمانکاری شاغل در واحدهای پتروشیمی اقدام اعتراضی خود را با نخوردن غذا در محل کار خود آغاز کرده بودند که درنهایت مدیریت این واحدهای پتروشیمی در مقام کارفرما هیچ پاسخ روشنی به آنها نداد. این کارگر می‌گوید: مدت‌هاست او و سایر همکارانش از طریق شرکت‌های پیمانکاری درکنار سایر گروه‌های شغلی در پروژه‌های مختلف مربوط به فعالیت واحدهای پتروشیمی فعالیت دارند اما باوجود داشتن شرایط حرفه‌ای و علمی مشابه، مطالبات مزدی آنها به نسبت کارگران قرارداد مستقیم به مراتب کمتر است.

اعتراض کارگران کارخانه کیان‌تایر مقابل وزارت صنعت معدن و تجارت!



صبح روز سه شنبه ۱۷ بهمن ماه، بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه کیان‌تایر مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت در تهران، تجمع کردند. کارگران معترضی که در این تجمع حضور داشتند گفتند: اعتراض آنها به پرداخت نشدن وام ۴۴ میلیارد تومانی برمی‌گردد که قرار است با پرداخت آن از سوی سیستم بانکی کشور، مشکلات کیان‌تایر برطرف شود. یک نفر از کارگران درباره دلایل برگزاری تجمع امروز کیان‌تایری‌ها می‌گوید: مطالبات مزدی دی ماه سال جاری و ۴ ماه اضافه کار و بن انگیزشی ما پرداخت نشده است. کارگر معترض دیگری هم می‌گوید: حدود ۴۰۰ کارگر بازنشسته کارخانه کیان‌تایر هم منتظر پرداخت سنوات بازنشستگی خود هستند. مدیران کیان‌تایر، به آنها نیز همانند کارگران وعده داده‌اند که با پرداخت این وام، سنوات آنها پرداخت شود. بر اساس این گزارش؛ به علت بدهی‌هایی که کیان‌تایر به سیستم بانکی دارد تاکنون هیچ بانکی حاضر به همکاری با آن نشده است. با پرداخت این وام، کارخانه می‌تواند پول گاز خود را به صورت کامل پرداخت کند. هم‌اکنون فشار گاز کیان‌تایر به علت بدهی‌ای که به اداره گاز دارد، کاهش یافته است.

۳ ماه دستمزد ۹۷ کارگر خدماتی شاغل در شهرداری الوند پرداخت نشده است



روز دوشنبه ۱۴ اسفند ماه، کارگران خدماتی شهرداری الوند گفتند: حدود ۹۷ کارگر خدماتی شاغل در شهرداری الوند که تحت مسئولیت یک شرکت پیمانکاری به صورت پیمانی و حجمی مشغول به کار هستند دست‌کم ۳ ماه حقوق معوقه به همراه عیدی و پاداش پایان سال طلب دارند. گزارش به نقل از کارگران می‌افزاید: درحالی مطالبات مربوط به ماه‌های دی، بهمن و اسفند خود را از پیمانکار دریافت نکرده‌ایم، کارفرما مدعی است صورت وضعیت مالی خود را از مرداد ماه از شهرداری دریافت نکرده است.

اعتراف به اینکه فقط ۱۰ درصد از کارگران عضو تشکلهای رژیم ساخته هستند!



صبح روز سه شنبه ۲۴ بهمن ماه، یکی از اعضای شورای عالی کار جمهوری اسلامی در نشست تخصصی گفت‌وگوهای سه‌جانبه که در مجموعه تلاش برگزار شد، گفت: ۹۳ درصد از قراردادهای کار، موقت هستند و این آمار غیر از کارگران سفید امضا یا دارای قراردادهای زیرزمینی است. هم‌اکنون کارگران فاصله ۶۳ درصدی با مزد واقعی دارند که این بدان معناست که فقط ۳۲ درصد از کارگران دارای معیشت مناسب هستند. وی درخصوص وضعیت تشکلهای کارگری گفت: فقط ۱۰ درصد از جامعه کارگری کشور عضو تشکلهای هستند که این مناسب نیست. وی با تأکید بر اهمیت شورای عالی کار و گفت‌وگوی شرکای اجتماعی کار، افزود: وقتی تنها ۷ درصد امنیت شغلی داریم و ۳۷ درصد معیشت مناسب و تنها ۱۰ درصد از کارگران در تشکلهای هستند، از چه طریقی باید مذاکره کنیم؟

هشدار کارگران کارخانه کمباین‌سازی تبریز!

به گزارشی به تاریخ دوشنبه ۲۳ بهمن ماه، کارگران کارخانه کمباین‌سازی تبریز، درمورد مصادره بخشی از ماشین‌آلات این واحد تولیدی از سوی طلبکاران مالی کارخانه گفتند: در مدت زمانی که این کارخانه به تعطیلی کشیده شده بود، زبان‌های مالی و روحی زیادی را متحمل شده‌ایم، اخیراً با تلاش شبانه‌روزی توانسته‌ایم بدون دخالت کارفرما و مسئولان محلی فعالیت تولیدی کارخانه را از سر بگیریم اما هر چند روز یکبار ماشین‌آلات و سایر ابزار کار کارگران این واحد تولیدی از سوی طلبکاران مصادره می‌شود به گونه‌ای که اگر این وضعیت ادامه پیدا کند کارگران کاری برای انجام دادن نخواهند داشت و بزودی شاهد تعطیلی کامل کارخانه و بیکاری کارگزاران خواهیم بود. این وضعیت درحالی‌تداوم دارد که روز شنبه ۲۱ بهمن ماه، نیز شاهد خروج تعدادی دیگر از ماشین‌آلات از کارخانه بودیم. متأسفانه روز یکشنبه ۲۲ بهمن ماه، هم یکی از طلبکاران دو دستگاه پرس ضربه‌ای و یک دستگاه فرز را با حکم قضایی از کارخانه خارج کرد و در این بین ما کارگران تمام تلاش خود را برای منصرف کردن طلبکار برای بازگرداندن ماشین‌آلات کارخانه انجام دادیم اما این تلاش درنهایت بی‌نتیجه خاتمه یافت. درگزارش به نقل از

کارگران آمده است که: وقتی در یک کارخانه که تنها محل درآمد اهالی یک منطقه بوده و کارگران آن سالها عمر خویش را برای نگهداری محل کار خود صرف کرده‌اند، اقدام به دادن حکم مصادره ماشین‌آلاتی که در حال تولید هستند می‌شود، روشن است که این حکم نه با ادعاهای مسئولان و نه با قوانین همخوانی ندارد.

عدم پرداخت مطالبات مزدی کارگران پیمانکاری شرکت ملی نفت منطقه اهواز

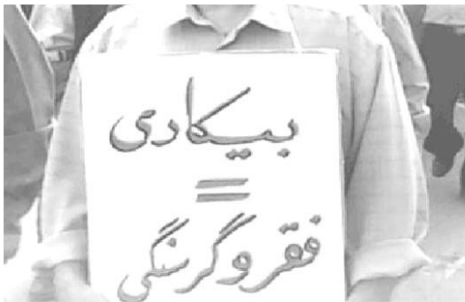


روز دوشنبه ۱۴ اسفند ماه، کارگران پیمانکاری ارکان ثالث شرکت ملی نفت منطقه اهواز، گفتند: کارگران این شرکت مدت ۲۹ ماه از تاریخ ۱۳۹۴/۶/۱ تا ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ در قالب دو قرارداد، تحت پیمان شرکت پیمانکاری بوده‌اند. اخیراً با خبر شدیم که پیمانکار با کارفرمای مادر تسویه حساب کرده و بدون پرداخت مطالبات کارگران، رفته است. در نامه کارگران آمده است: " شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی اهواز قرارداد اول پیمانکار موصوف را با ایشان بدون ارائه تسویه حساب کارکنان تسویه حساب نموده است، درحالی‌که طبق قوانین و مقررات جاری کشور، شرکت پخش مجاز به این کار نبوده است."

تجمع رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

صبح روز سه شنبه ۲۴ بهمن ماه، جمعی از رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، مقابل ساختمان وزارت کشور تجمع کردند. رانندگان به عدم انتقال سند مالکیت اتوبوس‌های بخش خصوصی به رانندگانی که برای مدت ۱۰ سال، ماهانه قسط خرید اتوبوس را پرداخت کرده‌اند، معترض می‌باشند. بر اساس این گزارش، همچنین طولانی شدن واریز درآمد بلیت‌های الکترونیکی به حساب رانندگان، بالا بودن هزینه‌های نگهداری اتوبوس‌های بخش خصوصی، بالا بودن جریمه‌های مربوط به تخطی از سرعت و توقف غیرمجاز اتوبوس از دیگر دلایلی است که باعث گردهمایی امروز رانندگان شرکت واحد شده است. در این گزارش همچنین تأکید شده که: خصوصی‌سازی ناوگان حمل و نقل اتوبوسرانی شهر تهران، اتفاقی بود که در سالهای نیمه دوم، دهه هشتاد اتفاق افتاد و از آن زمان تاکنون دست‌کم بیش از بیست شرکت خصوصی مسئولیت جابجایی بخشی از خطوط اتوبوسرانی این شرکت را برعهده دارند.

بیکاری یک میلیون کارگر قالیباف در اثر رکود بازار فرش دست بافت



نائب رئیس دوم اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دستباف ایران، روز سه شنبه ۲۴ بهمن ماه، گفت: از رونق افتادن صادرات فرش دستباف ایران که علت آن افت صادرات به اروپا و آمریکا است، باعث شده تا حدود ۱ میلیون کارگر قالیباف در سال‌های اخیر بیکار شوند. زمانی ۶ میلیون مترمربع فرش دستباف در ایران تولید می‌شد، اگر فرض را بر این بگیریم که هرکدام از کارگران قالیباف در سال ۳ متر فرش تولید می‌کردند، نتیجه این می‌شد که ۲ میلیون کارگر قالیباف در کشور وجود داشتند. اما به علت افت قدرت خرید و صادرات فرش دستباف تولید این کالا امروز نصف میزان گذشته شده و این یعنی بیکاری ۱ میلیون کارگر قالیباف که قطعاً بیکاری آنها تبعات اجتماعی فراوانی دارد. چراکه حالا آنها مجبور هستند برای تأمین هزینه‌های زندگی در حاشیه شهرها برای خود کاری دست و پا کنند. وی در انتقاد از بی‌توجهی دولت به این صنعت گفت: اگر برای مثال یک کارخانه خودروسازی دچار مشکل شود انواع و اقسام حمایت‌های دولتی را بالای سر خود دارد اما برای بیکاری ۱ میلیون کارگر قالیباف کسی کفکس هم نمی‌گذرد. مگر سرنوشت این کارگران مهم نیست؟! و اینکه چه مشکلاتی را باید از سر بگذارند آنها برای به دست آوردن یک لقمه نان؟!!

اعتراض کارگران پیمانکاری بندر امام خاتمه یافت

بر اساس گزارش روز شنبه ۲۸ بهمن ماه، کارگران پیمانکاری مجتمع‌های پتروشیمی اظهار داشتند: از ظهر روز پنجشنبه ۲۶ بهمن ماه، اعتراض کارگران پیمانکاری مجتمع‌های پتروشیمی مستقر در منطقه ویژه اقتصادی بندر امام با وعده پرداخت مزایای مربوط به بدی آب و هوا، سختی کار و بُعد مسافت، خاتمه یافت. در این روز ابتدا معترضان، تجمعی را مقابل ساختمان فرمانداری برگزار می‌کنند که در نهایت مسئولان فرمانداری از معترضان می‌خواهند تا نمایندگان خود را برای مذاکره انتخاب کنند. جلسه‌ای با حضور مسئولان فرمانداری و نمایندگان کارگران معترض در مورد پرداخت مزایای مزدی بدی آب و هوا، سختی کار و بُعد مسافت برگزار و در نهایت مقرر می‌شود که این مزایا تا تیر ماه ۹۷ به کارگران مشمول پرداخت شود.

نگرانی حدود هزار کارگر شاغل از

تهدید امنیت شغلی

کارگران صنایع چوب و کاغذ ایران روز دوشنبه ۲۳ بهمن ماه، گفتند: فعالیت کارخانه ایران چوکا که در زمینه تولید انواع کاغذ در شهرستان تالش استان گیلان فعالیت می‌کند، از ابتدای سال جاری به دلیل مشکلات مالی به حداقل رسیده است. در این خبر به نقل از کارگران آمده است که: حدود هزار کارگر این کارخانه تولیدکننده انواع کاغذ بابت امنیت شغلی خود احساس نگرانی می‌کنند، چرا که کاهش تولیدات این کارخانه تهدیدی برای امنیت شغلی کارگران کارخانه شده است. ایران چوکا برای یکسال تا ۲۹ آبان ماه سال ۹۵ تعطیل بود که در نتیجه اعتراضات ۱۰ روزه کارگران، بار دیگر فعالیت تولیدی خود را از سر گرفت. ما نمی‌خواهیم بعد از پشت سر گذاشتن این همه مشکلات دوباره به وضعیت بحرانی سال قبل دچار شویم. این وضعیت در شرایطی ست که پرداخت مطالبات مزدی کارگران شاغل در این کارخانه دست‌کم یک ماه به تأخیر افتاده و بیمه تامین اجتماعی آنان نیز دچار مشکلاتی شده است.

دست‌اندازی به حق بیمه کارگران با

درخواست دولت



در حالیکه دولت حسب حسابرسی‌های انجام شده بیش از ۱۴۰ هزار میلیارد تومان به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است، در سال ۹۷ سهم درمان از حق بیمه کارگران را به خزانه خود منتقل خواهد کرد. در نشست عصر روز یکشنبه ۲۹ بهمن ماه، مجلس شورای اسلامی بند "ز تبصره ۷" لایحه بودجه ۹۷ کشور با ۱۱۰ رأی موافق، ۷۵ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع از مجموع ۲۰۳ نماینده حاضر در جلسه تصویب شد. براساس بند "ز" این تبصره مدیریت بخشی از منابع و درآمدهای سازمان تامین اجتماعی به دولت منتقل شد. در پی این مصوبه سهم درمان از مجموع ماخذ کسر حق بیمه نزد خزانه‌داری کل کشور با عنوان بیمه درمان تامین اجتماعی متمرکز می‌شود. براساس بند "ز تبصره ۷" این لایحه، سازمان تامین اجتماعی مکلف است تمامی سهم درمان از مجموع ماخذ کسر حق بیمه موضوع مواد (۲۸) و (۲۹) قانون تامین اجتماعی مصوب ۳/۴/۱۳۵۴ و سایر منابع مربوط را در حسابی نزد خزانه‌داری کل کشور با عنوان بیمه درمان تامین اجتماعی متمرکز کند.

تنها ۱۹۳ هزار تومان غرامت از

کارافتادگی برای یک کارگر

بر اساس گزارشی به تاریخ چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه، یک وکیل دادگستری و کارشناس حقوقی در ارتباط با سرنوشت یک کارگر صدمه دیده در حین کار و هم اکنون خانه‌نشین می‌گوید: ۱۹۳ هزار تومان غرامت از کارافتادگی برای راننده‌ای که پای چپش را حین کار از دست داده و سالها سابقه بیمه‌پردازی دارد، نه تنها حمایت از کارگر نیست، بلکه با فلسفه حمایت از نیروی کار در تضاد ماهوی است. اگر قرار است فقط ۱۹۳ هزار تومان غرامت از کارافتادگی به راننده‌ای بپردازند که پای چپش را از دست داده، هیچ نپردازند بهتر است. راننده مریوانی که پای چپش را از دست داده و در کمیسیون‌های پزشکی، میزان از کارافتادگی او را چهل درصد تعیین کرده‌اند و به او فقط ۱۹۳ هزار تومان غرامت ماهانه تعلق گرفته‌است، این روزها دوباره به حکم صادره که در تجدیدنظر نیز تأیید شده، اعتراض دارد و می‌گوید: راهی برای امرار معاش ندارم، با ۵ سر عائله و ماهی ۱۹۳ هزار تومان چه کنم؟! گزارش به نقل از این کارشناس حقوقی می‌افزاید: این نوع آراء، نه تنها مشکلات معیشتی کارگران آسیب‌دیده را مرتفع نمی‌کنند، بلکه توهین به کارگر محسوب می‌شوند. چرا که با پرداخت ۱۹۳ هزار تومان گویی دارند به کارگر صدقه می‌دهند. پرداخت غرامت در این سطوح نازل، از نظر روحی نیز مصائبی برای کارگر به وجود می‌آورد. کارگر حس صدقه‌گیری پیدا می‌کند و مع‌الاسف به هرجا هم که رجوع می‌کند، می‌گویند قانون است و کاری نمی‌توان کرد. لذا باید بسوزد و بسازد و دم برنیآورد.

چهارمین روز از تجمعات کارگران آرمان

شفق تاکستان در معوقات مزدی

روز پنجشنبه ۱۹ بهمن ماه، یکی از کارگران متحصن کارخانه فولاد شفق اظهار داشت: بیش از ۱۰۰ کارگر کارخانه فولاد شفق در تاکستان هستیم که از یک هفته پیش تاکنون ۴ مرتبه دست به تجمع و اعتصاب زده‌ایم و تا زمان پرداخت مطالباتمان هم به تجمع ادامه خواهیم داد. از آبان ماه جاری تاکنون مزدی به ما پرداخت نشده و بیمه ما دچار مشکلاتی است. در عین حال معوقات مزدی مربوط به کارفرمای سابق‌مان را هم دریافت نکرده‌ایم. در این گزارش به نقل از کارگران آمده که: در تجمعاتی که کارگران فولاد شفق در ماه‌های قبل داشته‌اند، مسئولان وعده دادند که به زودی مطالبات مزدی پرداخت خواهد شد، اما آنها همچنان چشم انتظار تحقق وعده مسئولان و کارفرمای خود هستند تا در پایان سال بتوانند از شرمندگی خانواده خود درآیند. در پی تجمعات اعتراضی کارگران معترض، یکی از اعضاء هیئت مدیره شرکت آرمان شفق تاکستان با تکذیب خبر اعتراض کارگران این واحد تولیدی گفت: تجمع اعتراضی در کار نبوده و کارگران با جمع شدن در کارخانه منتظر دیدار من بودند!!!

اخراج در مقابل اعتراض کارگران به

حداقل دستمزد پرداختی توسط کارفرما!



روز شنبه ۲۸ بهمن ماه، یکی از کارگران استان گلستان در مورد وضعیت وخیم کارگران شاغل، بازنشسته و همچنین تعطیلی کارخانه‌ها و واحد‌های تولیدی در استان گلستان در نتیجه بیکاری کارگران گفت: کارگران معدن زمستان یورت تا همین لحظه ۳ ماه حقوق معوقه دارند. نامبرده در ارتباط با شرایط بازماندگان ۴۳ کارگر جان‌باخته حادثه معدن یورت گفت: بازماندگان کارگران کشته شده در حادثه معدن یورت در حال دریافت مستمری هستند ولی از آنجا که حدود ۲ - ۳ سال بود که کارفرما حق بیمه کارگران را پرداخت نکرده و مواردی از قبیل اضافه‌کاری‌های ایشان را هم رد نکرده بود، مستمری‌ای که برای بازمانده‌های این کارگران تعیین شده، بسیار حداقلی است. نامبرده همچنین تأکید کرد که واگذاری‌های صورت گرفته به بخش خصوصی یک گرفتاری بزرگ است که موجب مشکلاتی از این دست می‌شود. در استان گلستان، سی و هفت هزار و هشتصد نفر بازنشسته وجود دارد که میانگین دریافتی برخی از آنها به دلیل آن که کارشان فصلی بوده است، از ۶۰۰ - ۷۰۰ هزار تومان فراتر نمی‌رود. کارگرانی در این استان هستند که ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان حقوق دریافت می‌کنند و اعتراضی هم نمی‌توانند بکنند چراکه بلافاصله با اخراج مواجه می‌شوند. هر قدر به انتهای سال جاری نزدیک می‌شویم، کارفرمایان جهت نپرداختن ۲ ماه عیدی و حقوق اسفند، تعدیل نیرو کرده، موجب افزایش بیکاری می‌شوند. در استان گلستان، کارگاه‌هایی هستند که تعطیل شده و کارگران آنها سنوات خدمت خود را بعد از گذشت ۵ - ۶ سال هنوز دریافت نکرده‌اند. همچنین بیشتر از نیمی از شهرک‌های صنعتی استان گلستان تعطیل شده و باقی نیز با کمتر از نیمی از ظرفیت‌شان کار می‌کنند. در سال ۱۳۹۵ آمار دریافت‌کنندگان بیمه بیکاری در این منطقه ۳۸۶۳ نفر بوده، اکنون این تعداد به حدود ۴۷۰۰ نفر رسیده است. در مجموع، کارگران گلستانی در وضعیت خوبی نیستند و برنامه‌هایی همچون طرح کارورزی هم بیشتر شبیه مسکن هست تا درمان وضعیت بد بیکاری و معیشتی کارگران و در واقع، شانه خالی کردن دولت‌ها از مسئولیت‌هایشان. بسیاری از شکایات کار در گلستان، اصلاً به مرحله دادخواست نمی‌رسند.

برای آشنایی با دیدگاه‌ها و تحلیل
های چریک‌های فدائی خلق ایران از
سایت‌های زیر دیدن کنید:

www.siahkal.com

www.ashrafdehghani.com

برای تماس با چریک‌های فدائی خلق
ایران با نشانی زیر مکاتبه نمایید:

BM BOX 5051

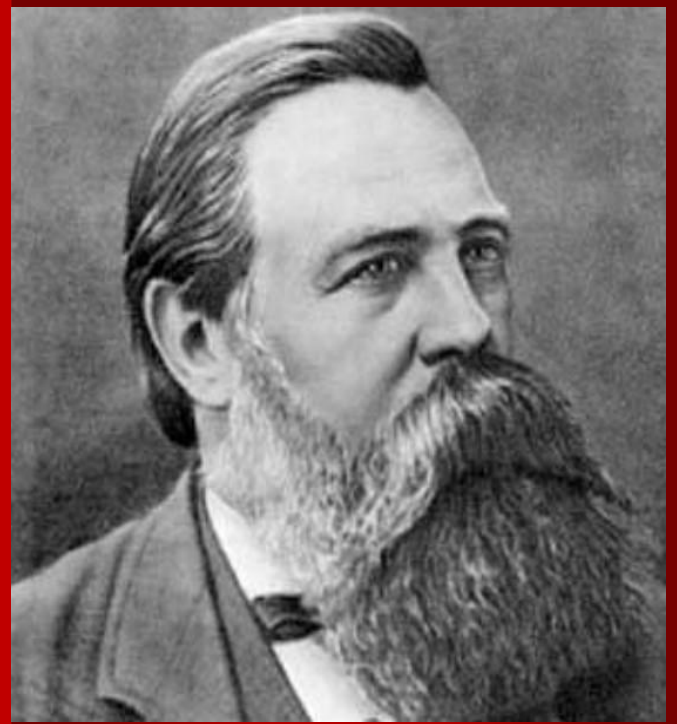
LONDON

WC1N 3XX

آدرس پست الکترونیکی:

E-Mail:

ipfg@hotmail.com



"زمانی که فردی به فردی دیگر آسیب جسمی وارد می‌آورد، آن هم آسیبی که به مرگ وی بیانجامد، این را ما قتل غیر عمد می‌نامیم؛ و هنگامی که شخص ضارب از پیش بداند که آسیب وارده به مرگ طرف مقابل منجر خواهد شد، آنگاه عمل او را قتل عمد می‌نامیم. هنگامی که جامعه صد ها پرولتر را در چنان وضعی قرار می‌دهد که آنها به طور حتم به دام مرگی زودرس و غیر طبیعی می‌افتند، مرگی به همان اندازه ناشی از اعمال خشونت که مرگ در اثر شلیک گلوله و یا به ضرب شمشیر، وقتی جامعه هزاران انسان را از شرایط لازم حیات محروم ساخته و آنها را در شرایطی قرار می‌دهد که در آن قادر به زندگی کردن نیستند، وقتی آنها را به زور چوب قانون مجبور می‌سازد که در این شرایط بمانند تا مرگ که نتیجه اجتناب ناپذیر این شرایط است فرا رسد؛ وقتی جامعه می‌داند و به خوبی هم می‌داند که این هزاران نفر اجباراً قربانی این شرایط خواهند شد، و با وجود این، شرایط مربوطه را برقرار نگاه می‌دارد، این عمل جامعه یک نوع قتل عمد است، درست مثل قتل عمد توسط یک فرد؛ قتل پنهانی و خائفانه، قتل که هیچ‌کس نمی‌تواند در قبال آن از خویشتن دفاع کند. قتل که ظاهراً قتل نیست، زیرا کسی قاتل را نمی‌بیند، زیرا که مرگ این قربانی چونان مرگی طبیعی به نظر می‌آید چرا که در آن، تعرض به عمل آمده بیشتر ناشی از بی‌عملی است تا انجام وظیفه. ولی در هر حال در اینجا ارتکاب به قتل عمد محرز است"

(فردریک انگلس "وضع طبقه کارگر در انگلستان")

صفحه اینستاگرام

بازرهای ماندگار

BazrhayeMandegar

به صفحه اینستاگرام «چریک‌های فدائی خلق ایران» پیوندید و آن را به دوستان تان هم معرفی کنید.

www.siahkal.com

چریک‌های فدائی خلق ایران

